



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ مهر ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

مصادف با: ۱۷ ذی الحجة ۱۴۳۵

موضوع جزئی: اعتبار نصاب بعد المؤونة - بررسی ادله

جلسه: ۱۷

سال پنجم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

از ادله‌ای که قابل استدلال برای قول صاحب مدارک است دو دلیل ذکر شد و هر دو دلیل مورد اشکال واقع گردید؛ دو دلیل دیگر باقی مانده که باید مورد بررسی قرار بگیرند.

#### دلیل سوم

دلیل سوم متشکل از چند مطلب است و با ضمیمه این چند مطلب، نتیجه مورد نظر حاصل می‌شود:

**مطلب اول:** اینکه اعتبار نصاب از مفهوم صحیحه بزنطی استفاده می‌شود؛ مفهوم صحیحه بزنطی همان گونه که بیان شد این است: «المعدن إذا بلغ عشرين ديناراً ففيه شيء» پس مطلب اول این است که دال بر اعتبار نصاب معدن مفهوم این صحیحه است.

**مطلب دوم:** اینکه بعضی از ادله مقید مفهوم صحیحه بزنطی هستند مانند «الخمس بعد المؤونة» که تقیید می‌زند و جوب خمس در معدن را یعنی دلالت می‌کند بر وجوب استثناء مؤونه و اینکه خمس بعد از کسر هزینه‌های استخراج و تصفیه واجب می‌شود.

**مطلب سوم:** اینکه این تقیید یا به شرط رجوع می‌کند یا به جزاء؛ اگر به شرط رجوع کند قول مشهور ثابت می‌شود و اگر به جزاء رجوع کند قول صاحب مدارک ثابت می‌شود. رجوع قید به شرط به معنای بقاء جزاء بر اطلاق خودش است و هم چنین رجوع قید به جزاء به معنای بقاء شرط بر اطلاق خودش است پس امر تقیید دائر است بین رجوع به شرط یا رجوع به جزاء؛ به عبارت دیگر یا باید اطلاق جزاء را یا اطلاق شرط را حفظ کنیم.

**مطلب چهارم:** اینکه هیچ ترجیحی در این مقام برای احد الاطلاقین وجود ندارد یعنی رجحانی در مورد رجوع قید به شرط مشاهده نمی‌شود و رجحانی در رجوع شرط به جزاء دیده نمی‌شود یا به عبارت دیگر اطلاق هیچ یک از شرط یا جزاء نسبت به دیگری ترجیح ندارد.

نتیجه: با ملاحظه این جهات وقتی امر دائر بین حفظ یکی از این دو اطلاق است این دو اطلاق متعارض می‌شوند و سپس تساقط می‌کنند پس در این دو مورد باید رجوع به اطلاقات ثبوت خمس در معدن بشود و اطلاق ثبوت خمس در معدن اقتضاء می‌کند نصاب را حین الاستخراج باید ملاک قرار داد یعنی اگر در بدو امر معدن به بیست دینار برسد آنگاه بعد از کسر هزینه‌ها ولو مقدار کمی هم باقیمانده باشد خمس آن باید داده شود.

## بررسی دلیل سوم

مشکل این دلیل هم با توجه به آنچه ما در پاسخ به اشکال به دلیل دوم مشهور گفتیم، معلوم می‌شود پاسخ به این دلیل این است که:

اولاً: مفهوم معتبر نیست؛ ما حجیت مفهوم را قبول نداریم در حالی که اساس این دلیل و یکی از مقدمات این دلیل (مقدمه اول) اعتبار مفهوم است. لذا اگر مفهوم معتبر نباشد، مقدمه اول مشکل پیدا می‌کند.

ثانیاً: به علاوه سلمنا که مفهوم هم اعتبار داشته باشد اینجا دوران بین الاطلاقین نیست تا نیازی به ترجیح احدی بر دیگری باشد؛ ما عرض کردیم به طور کلی این قید رجوع به جزاء می‌کند. طبق منطوق قضیه لیس فیہ شیء حتی یبلغ عشرين دیناراً این قید به جزاء رجوع می‌کند یعنی «بعد المؤمنة» به «فیه شیء» برمی‌گردد. لذا ثبوت خمس مقید می‌شود به بعد المؤمنة پس نصاب بعد از کسر هزینه‌ها ملاحظه می‌شود یعنی اگر معدن بعد از کسر هزینه‌ها بیست دینار باشد آنگاه خمس آن واجب است. آنگاه اگر ما گفتیم این قید علی‌ای حال به جزاء رجوع می‌کند، با رجوع قید به جزاء آنچه که صاحب مدارک گفته ثابت نمی‌شود بلکه از رجوع قید به جزاء لازم می‌آید که نصاب قبل از مؤونه معتبر باشد.

چه کسی ادعا کرده اگر قید رجوع به جزاء بکند سخن صاحب مدارک ثابت می‌شود؟ ما می‌گوییم قید رجوع به جزاء می‌کند و در عین حال نصاب عشرين مربوط به بعد المؤمنة است «لا یلزم من رجوع القید الی الجزاء اعتبار النصاب قبل المؤمنة» پس امر تقیید دائر بین یکی از این دو نیست تا نیازی به ترجیح داشته باشد بلکه قید رجوع به جزاء می‌کند و از رجوع قید به جزاء هم اعتبار نصاب قبل المؤمنة استفاده نمی‌شود.

## دلیل چهارم

دلیل چهارم دلیلی است که از کلمات محقق عراقی استفاده می‌شود؛ ایشان می‌فرماید: در مقابل اطلاقات ادله خمس معدن ما دو قسم دلیل داریم. چنانچه ملاحظه کردید بعضی از روایات دال بر ثبوت خمس در معدن بود (صحیح زرارۀ، محمد بن مسلم و حلبی) و این روایات مطلق بوده و هیچ قید و شرطی را برای معدن ذکر نکرده‌اند. در مقابل این اطلاقات ما دو دسته دلیل (روایت) داریم که هر کدام یک قیدی را بیان کرده:

یک دسته از روایات دلالت می‌کند بر استثناء مؤونه از خمس مانند «الخمس بعد المؤمنة» که دلالت می‌کند بر اینکه خمس وقتی واجب می‌شود که هزینه‌های استخراج کسر شود. استثناء مؤونه قطعی است و مورد پذیرش همه می‌باشد اما اینکه قبل یا بعد از آن، خمس محاسبه می‌شود مورد بحث است. پس بعضی از روایات در واقع خمس معدن را واجب می‌داند پس از کسر هزینه و مؤونه.

دسته دیگر روایتی است که دال بر اعتبار نصاب است مثل صحیح بزنطی که عرض کردیم بر طبق این صحیح نصاب معدن بیست دینار است.

پس در مقابل اطلاقات خمس در معدن دو دسته روایت وجود دارد که به استناد هر یک از این روایات، خمس مقید به یک قیدی می‌شود؛ محقق عراقی معتقد است که این دو تقیید در عرض هم هستند و در طول هم نیستند. مثلاً اگر دلیل بگوید احل الله البیع، این مطلق است و دلالت بر حلیت مطلق بیع می‌کند، حال چنانچه دلیل دیگری بگوید بیع ربوی حرام است پس این دلیل مقید آن مطلق می‌شود و معنایش این می‌شود که خداوند بیع غیر ربوی را حلال کرده است. در اینجا اگر یک دلیل

دیگری هم بیاید و قید دیگری را بیان کند و بگوید بیع مجهول حرام است نتیجه این است که خداوند بیع غیر مجهول را حلال کرده است. پس در واقع با دلیل دوم یک قید دیگری بیان شده و این دو قید در عرض هم هستند و هر دو آن مطلق را مقید می‌کنند. نتیجه آن این می‌شود که بیع حلال است به شرط اینکه ربوی نباشد و به شرط اینکه مبیع مجهول نباشد. اینها با هم مزاحمتی ندارند؛ دو تقیید که کدام در عرض هم بوده و این مطلق را مقید می‌کنند.

در ما نحن فیه هم همین گونه می‌باشد؛ در مقابل اطلاقات خمس دو دلیل وارد شده که یکی مؤونه را استثناء کرده و دیگری نصاب را معتبر دانسته. اگر این دو مقید در عرض هم باشند معنای این اطلاقات بعد از این دو تقیید این می‌شود «الخمس ثابت فی المعدن بعد المؤونه و این زمانی که است که معدن در هنگام استخراج به بیست دینار برسد» این دو تقیید در عرض هم هستند و مزاحمتی ندارند یعنی وقتی بیست دینار حاصل شد خمس واجب است و وقتی هزینه‌ها کسر شد، خمس واجب است. اگر ما این دو تقیید را عرضی قرار دهیم نه در طول هم نتیجه آن می‌شود که اعتبار نصاب قبل المؤونه است (در همان ابتداء اگر به بیست دینار رسید خمس آن واجب می‌شود) مسئله کسر هزینه یک بحث دیگر است یعنی خمس بعد از رسیدن به بیست دینار، واجب می‌شود و سپس هزینه‌ها را کسر می‌کنیم و بعد هر چه باقی ماند خمس آن را می‌پردازیم.

### بررسی دلیل چهارم

با توجه به آنچه تا به حال در بررسی سایر ادله در جلسه گذشته و امروز بیان کردیم، معلوم می‌شود این دو تقیید در عرض هم نیستند بلکه در طول یکدیگر و مزاحم هم هستند؛ دلیل بر این مدعا همان نکته اساسی بود که در جلسه گذشته بیان کردیم. اگر ما گفتیم موضوع وجوب خمس عبارت است از معدن به عنوان اینکه فائده و منفعت است، آنگاه وقتی سخن از اعتبار نصاب به میان می‌آید موضوع و متعلق نصاب هم همان چیزی است که موضوع وجوب خمس است پس نصاب متعلق می‌شود به معدن با این قید و معدن با خاصیت و ویژگی فائده بودن تنها بعد از کسر هزینه‌ها و بعد المؤونه معنا پیدا می‌کند. پس نصاب متعلق شده به معدن با حیث فائده داشتن و فائده بعد از کسر مؤونه معنا پیدا می‌کند. این امر عرفی است که عرف هم آن را می‌پذیرد.

لذا بر خلاف محقق عراقی به نظر ما این تقیید یک تقیید طولی است نه عرضی و اگر تقیید طولی شد نتیجه آن همان قول مشهور است.

### نتیجه

فتحصل مما ذکرنا کله حق با مشهور است و سخن صاحب مدارک تمام نیست؛ یعنی نصاب بیست دینار بعد از مؤونه ملاحظه می‌شود بر خلاف نظر صاحب مدارک، محقق عراقی و محقق خوئی.

### غدیر و وظیفه ما

ضمن تبریک عید سعید غدیر به مناسبت این عید بزرگ چند جمله ای را در این رابطه و وظایفی که نسبت به این روز بر عهده ماست، بیان می‌کنیم. غدیر حقیقتی است که باید با اتصال به این حقیقت، معرفت و آگاهی و شناخت و قرب به حق تعالی بیشتر شود؛ آنچه که در گرامی داشت این روز گفته شده از روزه گرفتن که حتی بنا بر نقل بعضی از منابع اهل سنت روزه در این روز به اندازه ۶۰ سال ثواب دارد یا مثلاً در این روز چه اعمالی مستحب است و چه کارهایی خوب است انجام شود

حاکمی از اهمیت این روز است. کمتر روزی در طول سال با این ارزش و قدر و منزلت وجود دارد اما همه اینها برای این است که ما به آن اساس و عمق مسئله غدیر توجه کنیم.

اساس مسئله غدیر ولایت امیرالمؤمنین (ع) و وظیفه ما در این روز اتصال به این کانون هدایت، کانون فیض، کانون تربیت است. ولایت بر اساس آیات و روایات برترین نعمت‌های معنوی الهی است در روایت معروف از امام باقر (ع) که زرارة از امام (ع) نقل می‌کند «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ» یکی از این پنج امر ولایت شمرده شده. «قَالَ زُرَّارَةُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ» زراره از امام سؤال می‌کند کدامیک از این پنج امر برتر است؟ امام باقر (ع) می‌فرماید: «فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُهُنَّ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ» چون ولایت و کلید چهار مورد دیگر است. «وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ» و شخص والی دلیل و راهنما بر آن چهار مورد است و با هدایت والی و با تربیت والی می‌توان به ارکان دیگر هم واصل شد. تعبیر امام باقر (ع) در این روایت نسبت به حقیقت این امر این است: «ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَى الرَّحْمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ»<sup>۲</sup> قله و بلندای این امر و باب همه چیز عبارت است از اطاعت امام بعد از معرفت امام؛ رضایت پروردگار در معرفت امام و اطاعت امام است. دو رکن اصلی در این مسئله وجود دارد: اول معرفت الامام، دوم طاعة الامام.

اگر معرفت ناقص باشد اطاعت هم کما هو حقّه محقق نمی‌شود. معرفت امیرالمؤمنین و معرفت ولی خدا و معرفت اهل بیت (ع) و معرفت حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) یک وظیفه است؛ معرفت به معنای واقعی آن مقدور نیست معرفت تام برای ما نسبت به این وجودات نورانی ممکن و مقدور نیست اما در حد توان باید این معرفت را پیدا کنیم.

بعد المعرفة اطاعت است؛ اطاعت و پیروی از امیرالمؤمنین و وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) این در بطن ولایت نهفته است. اگر ما ادعای ولایت می‌کنیم هر چه معرفت ما و اطاعت پذیری ما از اهل بیت عصمت و طهارت بیشتر باشد، معلوم است به حقیقت ولایت بیشتر واقف شده‌ایم. نمی‌شود ما ادعای ولایت پذیری بکنیم اما با آن وجودات نورانی فاصله داشته باشیم. ادعا و سخن و ظاهر نمایی راحت است ولی تا چه حدی رنگ و بوی ولایت ما را احاطه کرده است و این مسئله مهم است. در بعد اخلاقی، معاشرت‌ها، تعامل با مردم، تبلیغ دین، دل سوزی برای دیگران، سعه صدر و تحمل نسبت به خطا کاران باید دید که تا چه حد ما نزدیک به کانون اصلی شده‌ایم. تا چه میزان ما گرفتار خودخواهی و خود محوری هستیم و آن وجودات نورانی به ویژه امیرالمؤمنین (ع) چقدر از خودخواهی و منیت دور بوده و فاصله داشتند. تقویت غدیر و ولایت با این دو امر حاصل می‌شود: معرفة الامام و اطاعة الامام. این معرفت و اطاعت هم این طور نیست که در یک بخش کوچکی باشد، بلکه بسیار گسترده است. یعنی باید در همه زمینه‌ها علماً و عملاً مطیع بود، و باید سعی کرد که با آن وجودات نورانی به ویژه امیرالمؤمنین (ع) و حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)، اتصال و پیوند برقرار شود که در این صورت عنایاتشان سرازیر می‌شود و شامل حال ما می‌شود. حتماً وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) در این شرایط طبق فرموده خود حضرت نسبت به ما غافل نیستند؛ هر چه معرفت و اطاعت ما نسبت به ایشان بیشتر باشد، قطعاً عنایات آنها نسبت به ما بیشتر خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۸.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۱۹.